



عبدالاحمد فیض

## سرکوب داعشی توسط طالبان، تخیل یا واقعیت؟

با بقدرت رسیدن طالبان باورهای کاذبی دراذهان بوجود آمد که این گروه با توجه به تجارب چندین ساله مبارزه مسلحانه در کوهستانات و مناطق روستائی و آشنائی با تشکیلات و ساختارهای نا مشروع جنگی و دهشت آفرین در نهایت قادر خواهند بود تا به حضور جنگجویان با ماهیت تروریستی، کرکترواوصاف غیربومی مانند گروه داعش که درد سری بزرگ برای خود آنها و قدرت نوپاء طالبان هست، درافغانستان نقطه پایان خواهند گذاشت، اما وقوع تهاجمات پیهم تروریستی در کابل و شهرهای دیگر که به کشته شدن تعداد زیادی هموطنان غیرنظامی ما منتج شد، تکفیران داعش دیگر همان تفنگ بدستان بیرحم و خونخواری است که از توانائی های بالقوه برای برهم زدن نظم و امنیت برخوردار خواهند توانست تا فصل جدیدی نبردهای خونین و مدهشترنسبت به گذشته راگشوده و در راستای مقاصدی خواهند جنگدید که توسط جهنمی ترین استخبارات خارجی به کرایه گرفته شده اند.

داعشیان این دشمنان انسان و آدمیت مجموع تروریستان است که بابرهم خوردن معادلات امنیتی درعراق بعد از تهاجم مسلحانه ائتلاف امریکا در (۱۹۹۳) در آنکشور اعلام موجودیت کرده و خلافت خود خوانده را بنام خلافت اسلامی عراق - شام که عراق و سوریه را در تیررس داشت، از اهداف نبرد مسلحانه خویش معرفی داشت و بنابر حمایتهای گسترده حامیان خارجی قادر گردید تا بخشهای وسیع قلمرو عراق و سوریه را که معروض به جنگهای فاجعانه داخلی بود به اسرع وقت تحت سیطره در آورد.

گروه تکفیری داعش در تمام مکانهای اشغالی، صدها هزار انسان بیدفاع را به دلیل باورها و اعتقادات دینی، تفاوت های جنسی و قوم به جوخه دار کشانید، انسانهای زنده را در قفسهای آهنین با دستان و پاهای در بند کشیده طعمه حریق نمود، به نوامیس و سنن تاریخی و فرهنگی عراق و سوریه تجاوز، زنان و دختران عقیفه درین گوشه جهان را بر پایه مجوزهای خودی در مطابقت با تعریفی تکفیران تحت پوشش جهاد- نکاح مورد تجاوز مداوم قرار داده، بردگی و برده داری جنسی را مجاز اعلام داشت.

گروه تکفیری داعش بعد از ثبت جنایات تاریخی در کارنامه سیاه شان سرانجام در نتیجه مقاومت جسورانه نیروهای ملی، ارتش بومی و همکاری ائتلاف بین المللی ضد داعش نخست در عراق بمثابه مهد تروریستان داعش و متعاقب آن در سوریه که پیش مرگهای قهرمان کوبانی اعم زنان و مردان درین مبارزه افتخار آفرین نقش بارزی ایفاء نمودند سرکوب و به شکست ننگین مواجه گردیدند.

منظور این قلم از تذکار نکات مؤجز در پیوند به چگونگی ظهور و تشکل داعش بمثابه خطرناک ترین، منفورترین و افراطی ترین جهادی سلفی و پیروان سفاک مکتب جهادیزم که انقلاب اسلامی جهانی رادراهداف و اوهام فکری خویش داشته این است که این گروه تروریستی چگونه وبا کدام تمهیدات و پیش زمینه هاعلی الرغم غیربومی نامیدن این گروه در کشورمان چهره نامیمونش ظهور نمود و بیک چالش بزرگ امنیتی و سیاسی از چند سال بدین طرف مبدل شده است؟ در سال (۲۰۱۳) میان البغدادی پیشوای تروریستان داعش و رهبری القاعده وجبهه النصره درسوریه که علیه رژیم اسد میجنگید ، برستوزیع منافع اختلافات شدید ایجاد شده واین تضادها با اعلام خلافت داعش در (۲۹) جون سال (۲۰۱۴) میلادی منجر به جدائی این دو جریان افراطی گردید و باعث شد که شکل وشمایل چنین خلافت مورد توجه معدود عناصری وابسته به شبکه های رادیکال وفاندی میتالست های فعال در مناطق قبایلی آنسوی دیورند قرار گیرد و چهره های افراطی مانند عبدالرحیم مسلم دوست وشاهدالله (شاهد) یکتن از سخنگویان پشین طالبان از خلافت اعلام شده استقبال واعلام بعیت نماید وموجب شد تا تفکرایجاد ساختاری بنام داعش به سرعت تکوین یافته، جذب وسرباز گیری از میان لایه های متفاوت قرین به جریانها وشاخه های ستیزه جووتندروبه شدت راه افتد، که این روند با تقرر حافظ سعید بحیث والی ایالت خراسان داعش تشدید مضاعف کسب نمود وراغبان راه رفته داعشیان یکی پی دیگری وعمدتاً از میان اهالی کم سوادوبی سواد قبایلی واتباع پاکستانی بعد از جنوری (۲۰۱۵) بگونه روزافزون فزونی یافت.

فلهذا با بذل توجه به چگونگی ظهور داعش در منطقه که در فوق تصریح شد، میتوان بوضوح اذعان داشت که مناطق آنسوی دیورند وجغرافیای که از سالیان متمادی نقش میزبان را در خلقت، تشکل وتریبیت دسته جات مسلح تروریستی ضد افغانستان ایفاء نموده است کماکان بمثابه بستر مناسب به نضج گیری یک طیف جدید آدمکشی، وحشت ودهشت چهره میگشاید، لذا زایش داعش در پیرامون کشور ما آنهم در یک برهه که جنگ داخلی افغانستان علیه مخالفان مسلح وبا حضور نظامی قدرتهای خارجی همکار کابل به بن بست خود نزدیک گردیده بود، نیات واهدافی غیر از مضاعف ساختن فشار نظامی بر کابل وبهره گیری بهینه در قالب دوام جنگ نیابتی واستفاده از داعش بمثابه ابزار مؤثرتری در پهنای تحولات فردای افغانستان چیزی غیر از این بوده نمیتواند یابعاره دیگری نگرش حامیان وایجادگران گروهک تروریستی داعش در فضای نوین سیاسی وامینیتی این کشور درین نوبت حفظ فشار مداوم، تداوم راهبرد همیشگی ونیز کنترل بر حکومت طالبان خواهند بود.

کنون که داعش بر بنیاد گزارشات منابع متعدد داخلی و بین المللی که روزگاری مسوولان رده های بلند امنیتی دولت جمهوری از وجود داعش با غیربومی وبیگانه خواندن این جریان هراس افکن انکاریا تجاهل عارفانه را پیشه کرده بود، بیک تهدید امنیتی غیر قابل انکار مبدل شده است وحضور این گروه با پدید آمدن خلای امنیتی بعد از فروپاشی رژیم قبلی که حملات پیهم داعش در کابل وولایات بعد از بقدرت رسیدن طالبان بران مهر تأیید میگذارد، در هر بخش کشور محسوس است.

طوریکه تذکاریافت، حضور داعش وجبهات قدرتمند این دهشت افگنان بعد از سال (۲۰۱۵) در مناطق شرقی وجنوب شرقی بخصوص اچین ولایت ننگرهار در نزدیکی نوار دیورند در محافل امنیتی داخلی وخارجی مطرح شد، اما همان گونه که شاهد بودیم علی الرغم کاربرد وآزمایش مادربمبها در آن والواجرای عملیتهای تصفیوی نیروهای دفاعی وقت، این گروه به گسترش خویش ادامه داده، راهبرد منفعل ضد تروریستی متحدین غربی کابل ومساعی نیروهای نظامی بومی در برچیدن شبکه های تروریستی منجمله داعش عقیم گردید، لذا مبرهن مینماید که عدم توجه تعمدی ویا تساهل قدرتهای که تحت پوشش مبارزه ضد تروریستی به این دیار بی درو دیوار سرازیریافت، به منابع تمویل، تمرین، تجهیز وحمايتهای اطلاعاتی

وهكذا برخاستگاه این گروه سبب شد تا داعش در همسایگی سایر مزدوران جنگی چندین ملیتی بیک ابزار قدرتمند سیاست خارجی تمویل کنندگان و حامیان مبدل گردد.

اداره طالبان بعد از کسب قدرت با استفاده زوربارها با اغماض از موجودیت داعش بمتابه یک نیروی که توانائی برهم زدن امنیت را درین کشور دارد، انکار ورزیده و مدعی هستند که حکومت طالبان قادر است تا گروه داعش را سرکوب و به گروه‌های تروریستی دارای اهداف مماثل اجازه نخواهند داد تا از قلمرو افغانستان علیه امنیت و منافع دول خارجی استفاده نمایند، این ادعا در چنان اوضاع و احوالی مطرح میگردد که طالبان خود متهم به داشتن مناسبات بی وقفه با برخی شبکه‌های دهشت افکن بوده و از جانب دیگر از انزوای بین المللی، عدم ظریفتهای فنی و تخیلی و نیروی امنیتی آموزش دیده و مسلکی در نبرد و پیگرد گروه‌های تروریستی به شدت رنج میبرد.

بر مبنای گزارش خبرگزاری جمهور، مایکل رابین پژوهشگر اندیشکده با نفوذ امریکن انترپرایز در روزنامه «واشنگتن اگزاینر» مینوسد: «مشکل تروریسم در افغانستان در مقایسه با واقعیت تروریسم در پاکستان کم رنگ است، موصوف اداره بایدن را متهم مینماید که فریب حرفهای دیپلماتیک آن کشور را خورده است و متوجه بازبهای دوگانه پاکستان و استفاده ابزاری آن از گروه‌های تروریستی نیست.

نویسنده مقاله افزوده است که شکست خفت بار ایالات متحده در افغانستان، مقامات پاکستانی را در بهره گیری مداوم از تروریسم و شبه نظامیان تشویق نموده است، وی تصریح نموده است که این حرفهای مقامات امریکائی که از طالبان برای سرکوب داعش استفاده خواهند نمود، احمقانه میدانند.»

طالبان بمتابه نیروی حاکم در افغانستان به نحوی که در فوق نگاشته شد که علی الرغم ادعا‌های پیهم منابع اطلاعاتی قدرتمند جهان، تأکیدات مکرر ملل متحد و فعالیتهای مشهود تروریستی داعش، وجود این گروه تکفیری را بزرگنمائی برخی کشورهای عنوان نموده و مدعی برچیدن داعش شده است، اما واقعیتهای میدانی حضور و گسترش روزافزون این گروه با عطف توجه به پیشینه اسکان مزدوران جنگی در منطقه و کاربرد آنها به مقاصد اهداف سیاست خارجی حامیان و تمویل کنندگان مبین این واقعیت است که سرکوب و زوال محافل تروریستی در منطقه پر آشوب مان مستلزم برچیدن پناهگاه‌ها، مراکز پرورش و تربیت جنگی، قطع منابع مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی و ایجاد اجماع منطقی و فرا منطقه در مبارزه هدفمندانه علیه دسته جات مسلح تروریستی است، لذا در غیر شناسائی منابع کمک، تمویل و قطع ارسال پول و سلاح، داعش با تأسف فصل جدیدی قتل و ویرانی را در کشور خواهند گشود.

---

چکیده ها:

- پژوهش مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی (ظهور شاخه خراسان داعش)؛
- خبرگزاری جمهور؛
- رسانه امریکائی (مقاله پژوهشی مایکل رابین) .